

ابعاد تحول در برنامه آموزشی حوزه

گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد*

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد (متولد ۱۳۴۱) زاده مازندران، دوره کودکی و دبستان را در زادگاهش گذراند. در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیة رستمکلا از توابع بهشهر مازندران شد و سپس در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیة قم شد و از محضر آیات عظام و علمای اعلام بهره جست. وی تحصیلات حوزوی خود را تا سطح چهار حوزه در «رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن» ادامه داد و در سال ۱۳۸۱ با تدوین رساله‌ای با عنوان «التوسل فی الکتاب و السنة» موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شد. وی همزمان با تدریس، سال‌ها مدیریت برخی از مدارس حوزوی را به عهده داشت و هم‌اینک، مسئولیت معاونت آموزشی حوزه‌های علمیه را نیز بر عهده دارد، وی تاکنون موفق به تألیف چندین جلد کتاب و ده‌ها مقاله علمی شده که در برخی از آنها موفق به کسب امتیازات ویژه شده است. معاون آموزش حوزه‌های علمیه علاوه بر سالها سابقه تدریس در حوزه و دانشگاه و اجرای برنامه‌های قرآنی در رادیو و تلویزیون، مسئولیت تدوین «التفسیر الاثری الجامع» اثر آیت‌الله معرفت رحمته‌الله را نیز به عهده دارد. وی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه بوده و در آن‌جا سالها به تدریس در مقطع کارشناسی، سطح ۴، ارشد و دکتری اشتغال دارد.

مجله پاسخ: مراد از تحول در آموزش حوزه چیست؟ چرا به جای تحول، تغییر یا اصلاح نمی‌گوییم یا به‌روزآوری نظام آموزشی نمی‌گوییم. به عبارت دیگر آیا مراد تحول واقعی است یا که منظور همان تغییر، اصلاح و به‌روزآوری است و آیا تحول صرفاً در نظام آموزشی است یا فقط در متون و جزئیات این نظام آموزشی که موجود است، می‌باشد؟

♦ در ابتدا تقدیر و تشکر می‌کنم که بحث‌های مهم و اساسی را دنبال می‌کنید. تحول را به هر معنایی که بگیریم در ارتباط با حوزه و تحول در حوزه یعنی همگامی حوزه برای

*. دانشیار جامعه المصطفی‌العالمیه رحمته‌الله؛ rostamnejad1946@gmail.Com



پاسخگویی به نیازهای جامعه، نظام، بین‌الملل و داخل. در عالم چیزی به حالت ایستا نداریم. نه علم ثابت است نه روش زندگی مردم. هر قرن با قرن دیگر، هر نسلی با نسل دیگر متفاوت فکر می‌کند و متفاوت زندگی می‌کند. بلکه یک اصول ثابتی وجود دارد که قابل تغییر نیست. ولی غیر از آن همه چیز تغییر می‌کند؛ مسائل مستحدثه که از قدیم هم مطرح بود یعنی چه؟ مسائل مستحدثه نشانه تحول است. اگر حوزه یک روزی نتواند پاسخگوی مسائل مستحدثه باشد یعنی اگر نتواند همگام با نیازها، خودش را ارتقاء دهد و نتواند پاسخگو باشد آنوقت دچار ایستایی شده است. پس مراد از تحول یعنی همگامی با نیازها و وظیفه حوزویان است که با استفاده از متون دینی یعنی قرآن و حدیث، نیازهای زمان را پاسخ دهند.

بنابراین مراد از تحول در قالب کلی‌اش این است که؛ اولاً نیازهای جامعه و زمان رصد شود سپس به آن‌ها پاسخ داده شود. حوزه قبل از انقلاب خودش را پاسخگوی چه عرصه‌هایی می‌دید؟ مثلاً پاسخگوی عرصه مسجد و اماکن مذهبی بود یک حوزوی گاهی مسجدی در اختیارش بود در دانشگاه راهش نمی‌دادند، در نظام راهش نمی‌دادند، در مجلس راهش نمی‌دادند. پس آن حوزه عرصه پاسخگویی‌اش در همان مرحله بود. ولی الآن نظامی براساس مبانی فقه اهل بیت علیهم‌السلام تشکیل شده است، حوزه باید پاسخگوی همه عرصه‌های این نظام باشد. این یک گام بزرگی است؛ بنابراین حوزه برای اینکه پاسخگوی این عرصه‌های مختلف باشد طبعاً باید خودش را در آموزش، متون، برنامه، روش، نظام آموزشی و در همه چیز به گونه‌ای سامان‌دهی کند که بتواند پاسخگوی همه این نیازها و عرصه‌های جدید باشد. این یعنی تحول. دیگر کاری به لغت آن نداریم، اسمش را اصلاح می‌گذارید، تغییر می‌گذارید، هر چه می‌گذارید. روح کلام در تحول به توان پاسخگویی به نیازهای عصری بر می‌گردد.

مجله پاسخ: با این اوصاف، منظور از به‌روزروری یعنی همه چیز این نظام آموزشی به‌روز شود. یعنی این به روزرسانی یا تحول یا تحول ناظر به متن و محتوا است یا مثلاً مدل آموزشی.



♦ بله. به‌روزآوری به معنای تجهیزات و ابزار نیست. ما باید به‌روز جواب‌گو باشیم؛ بلکه جلوتر از نیاز بیاندیشیم و جواب بدهیم؛ این یعنی تحول. پس تحول حوزه این نیست که ما بخواهیم فقط متون را دست بزنیم، بلکه باید روش انتقال مفاهیم را دست بزنیم. جاهای راکدی که قبلاً در متون ما بود مثل بخش نظام، حکومت، مدیریت و حقوق ولی توجهی به آن نمی شد امروز باید آن‌ها را به دقت بررسی کنیم. حقوقی که قبلاً خوانده می شد در حد این بود که ببینیم در اسلام چه خبر است؛ اما الآن باید اجرایش کنیم. روشن است این میدان [اجرا] سرباز می‌خواهد. این بخش‌های راکد را باید بیاوریم در صحنه اجرا. اصول فقه و مبانی دین‌مان اصول ثابتی است اما معصوم علیه السلام فرمود: «عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْنَا التَّفَرُّعُ» فروعات ثابت نیست.

مجله پاسخ: در واقع آیا تحول شامل همان بحث کتاب‌محوری و دانش‌محوری و... هم می‌شود؟

♦ اعم از همه اینهاست. وقتی براساس اندیشه حوزوی نظام تأسیس شد و نظام هم در داخل حصار خودش محدود نماند؛ بلکه مرزهای جغرافیایی را در نوردید و تمام جوامع بشری را متوجه یک حقیقت و اصالت کرد. آن هم در زمانی که مدعیان حقیقت به میدان آمدند و شکست خوردند. در این صورت عرصه‌های حضور حوزه و پاسخگویی‌اش از یک به صد رسیده است. دیگر نمی‌شود با عناصر، ابزار و روش‌های قبل که نهایت نگاهش مدیریت مسجد بود، به نیازها پاسخ داد آن هم با این همه القای شبهه از طرف دشمنان و معاندان.

تحول ابعاد و اضلاعش بسیار متنوع است؛ از تحول در متون و روش گرفته تا تحول در میدان‌ها و عرصه‌های حضور و ابزار. ما در ابزارش هم باید متحول بشویم. با ابزار قدیمی نمی‌شود کار هزاربرابری انجام داد. پس باید روش‌ها، منش‌ها، ایده‌ها، اندیشه‌ها در همه ابعاد و اضلاعش و در همه چیز متناسب با تحول و تغییر زمانه هماهنگ گردد. تحول این است که براساس همان داشته‌های اصیل خود با تحفظ بر آن سرمایه‌ها، افزوده داشته باشیم. افزوده برای متناسب سازی با این عرصه‌ها و نیازها.



مجله پاسخ: برخی می‌گویند این به‌روز‌آوری‌ها حوزه را به سمت دانشگاه شدن می‌برد و آن آسیب‌هایی که طبیعتاً متوجه دانشگاه است برخی‌اش هم متوجه حوزه می‌شود. مثل شب امتحانی خواندن یا مدرک‌گرایی. بحث دیگر این آسیبی که در حوزه است و آن طولانی بودن است مثلاً در بحث مدرک خب یک دانشگاهی ارشدش شش شش سال طول می‌کشد در صورتی که یک طلبه بعد از هفت، هشت سال تازه به سطح لیسانس هم نرسیده، همین معادل می‌شود با کسی که در دانشگاه مثلاً ۲۸ سالش شده و دکترایش را هم گرفته و طلبه تازه دروس عمومی را خوانده و می‌خواهد یک رشته تخصصی را مثلاً برای سطح سه انتخاب کند.

♦ این هر کدامش جداگانه بحث دارد. این را قبول ندارم که حوزه، دانشگاهی شده است؛ حوزه خودش فکر دارد، اصالت دارد. دانشگاه مگر از کی تأسیس شده؟ حوزه از زمان امام صادق علیه السلام بوده است از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده است. به نظرم این معنا ندارد که بگوییم حوزه، دانشگاهی شده است!؟

مجله پاسخ: نظام آموزشی حوزه چگونه است؟ الان مثل دانشگاه، دو نیم‌سالی شده است؟

♦ این که نظام آموزش حوزه دو نیم سالی شده، دلیل نمی‌شود که حوزه، دانشگاهی شده. اولاً همه درس‌ها که این طوری نیست بعضی از درس‌ها به خاطر حجمش نیم سالی است. اگر بخواهیم دانشگاهی بشویم دانشگاه گاهی برای ۳۲ ساعت کلاس یک امتحان می‌گیرد. اگر حوزه بخواهد مثل این عمل کند باید در هر سال، چند نوبت امتحان داشته باشد. ما مکاسب را هر روز می‌خوانیم. برای درس خارج حداقل مصاحبه‌ای که داریم ۷۵ روز یا ۸۵ روز است. این کجا در دانشگاه است؟ در کدام دانشکده‌ای این کار را می‌کنند؟ این یک شبهه‌ای است که برخی‌ها القاء کردند. درس‌های حوزه سنگین است. در گذشته در بعضی از سال‌ها مکاسب را از اول سال تا آخر سال می‌خواندند و امتحان می‌گرفتند. یک وقتی هم سه قسمتش کردند دیدند واقعاً سنگین است. آن هم مکاسب و کفایه، یک چیز آبکی که نیست. آخر سال هم تراکم امتحانات بود که طلبه ۶-۷ ماده



درسی را باید ظرف ۱۰ روز امتحان می‌داد. بزرگان حوزه فکر کردند که این نوع امتحان درست نیست. آمدند سه نوبت امتحان گرفتند، دیدند تعطیلات زیاد شده. آمدند دو نوبتی کردند که این طرح تا حدی تثبیت شده است؛ پس این طور نیست که نگاه به دانشگاه کرده باشند. اگر نگاه به دانشگاه می‌کردند باید در یک سال، اگر همان ۳۲ ساعت را در نظر بگیریم، چندین نوبت امتحان بگیرند.

نکته دیگر این است که ما به هر طلبه‌ای مدرک نمی‌دهیم. ما فقط به متقاضی مدرک می‌دهیم. یعنی این طور نیست که هر طلبه‌ای آخر سال بیاید مدرکش را بگیرد بلکه مدرک به متقاضی داده می‌شود زیرا طلبه متقاضی امروز تنها به مسجد که نمی‌رود؛ بلکه به سپاه، قوه قضائیه یا جهاد و امثال این‌ها می‌رود. هر کجا که می‌خواهد برود از او مدرک می‌خواهند. پس مدرک بخاطر ایجاد ادبیات مشترک است که گواهی میزان تحصیلات و قابلیت علمی طرف است.

مجله پاسخ: یعنی حوزه فارغ التحصیل ندارد؟

♦ ما فارغ التحصیل رسمی به معنی دانشگاهی نداریم. صدها طلبه داریم که هیچ وقت از ما مدرکی نخواستند و ما هم هیچ وقت نمی‌گوییم شما بیایید مدرک بگیرید. نه امکانات ما اجازه این کار را می‌دهد و نه وقت ما...؛ اما کسی که می‌خواهد برود جذب میدان کار شود از ما تقاضای مدرک می‌کند. می‌گوید من باید معرفی بشوم. مدرک یک معرفی‌نامه است. این طور نیست که تبعیت از دانشگاه کرده باشیم.

مجله پاسخ: ظاهراً این است که حوزه مدرک می‌دهد و دانشگاه هم مدرکی می‌دهد.

♦ نه. این گواهی وزن علمی طرف است، صلاحیت علمی طرف است. چکار کنیم؟ این کار را نکنیم؟ اگر قبل از انقلاب بودیم به این کار نیاز نبود برای اینکه طلاب را جایی راه نمی‌دادند. اما الان این طلبه می‌خواهد برود جذب دستگاه یا سازمانی شود، آن سازمان حق دارد از حوزه بپرسد وزن علمی اش چیست؟ حوزه با این مدرک، سند علمی طلبه را در اختیارش قرار می‌دهد.



نکته دیگر این که این مقایسه که در دانشگاه کسی که مثلاً ۸ سال درس می‌خواند دکترا می‌گیرد؛ اما در حوزه پس از ۷-۸ سال تحصیل تازه می‌رسد به کارشناسی دلیش چیست؟ می‌گوییم این تقسیم‌بندی به این صورت صحیح نیست کسی که دکتری گرفته این چندسال دانشگاهش اضافه به آن ۱۲ سال شده که در آموزش و پرورش در حال تحصیل بوده ولی این فردی که آمده حوزه آیا می‌توانیم بگوییم اضافه بر آن ۱۲ سال است؟ یعنی حوزه و دانشگاه دو نظام آموزشی مستقل است وقتی کسی به حوزه آمده در واقع از صفر شروع کرده. بله. حالا فارسی خواندن را بلد است املاء و انشاء را بلد است. ولی وقتی که وارد حوزه شد نمی‌توان گفت هشت سال درس خوانده حالا مدرک دکترای حوزه را بگیرد. دین مردم چه می‌شود؟ کجا این دکترای حوزه دارد. این هفت هشت سال اول او فقط ادبیات و اندکی فقه و اصول خوانده است ممکن است آدم در ادبیات، ادیب کل فی الکمل هم بشود، اما از قرآن و حدیث اطلاعاتی نداشته باشد.

مجله پاسخ: و برخی از همین طلاب که سطح یک و بیشتر ادبیات خوانده‌اند به تبلیغ می‌روند.

♦ من خودم با این قضیه تا حدودی مشکل دارم. می‌گویم این‌ها چیز قابل توجهی نخوانده‌اند. مسئله گفتن هم برای خودش شئونی دارد؛ بنابراین حوزه چون یک نظام آموزش دیگری هست، ادامه دوره آموزش متوسطه نیست. دانشگاه امتداد دوره آموزش متوسطه است ولی حوزه امتداد آن نیست. حوزه مثل این است که شما می‌خواهید یک خانه جدیدی از نو بسازید. این طلبه تازه آمده تا درس دین بخواند. دین مردم را نمی‌توانیم به بازی بگیریم و بگوییم او چهار سال درس خوانده. یعنی چهار سال ادبیات عرب خوانده، چون قبلاً دوازده سال خوانده بود الآن بیاید مدرک دکترای حوزوی بگیرد. دانشگاه، سنگ پای نخستینش را در دوازده سال چیده و بالا آمده. نگوئید هشت سال خوانده، بگوئید هشت سال به اضافه دوازده سال تازه شده دکترا؛ اما در حوزه واقعاً همین هشت سال را خوانده است.

حتی کسانی که لمعه و اصول هم خوانده‌اند آیا می‌توانیم بگوییم آن‌ها می‌توانند حرف دین را برای مردم بگویند؟ کجا چنین چیزی ممکن است؟ مخصوصاً با این وضعیتی که ما در این زمان داریم، با این شبههاتی که در ذهن‌ها پر شده، جامعه ما جامعه بی‌سواد نیست. جامعه‌ای باسواد است. امروز را دیده. ابزار فراوانی در اختیارش است. فضای مجازی در اختیارش است.

مجله پاسخ: به نظر شما آیا حوزه نباید برای این سیستم آموزشی فکری کند؟ یعنی بالاخره طلبه در این زمان معمولاً با بیست و چند سال که ازدواج می‌کند، زندگی تشکیل می‌دهد، معاشش را هم باید ببیند، در صورتی که طلبه تازه در هجده سالگی حوزه می‌آید تا ۲۸ سالگی سطح دو خودش را گرفته، نه شهریه آن چنانی دارد، نه تخصصی دارد.

♦ اگر بعضی از اصرارها، التماس‌ها و فشارهای بیرونی نباشد اصل پذیرش حوزه از سیکل است. الآن هم بیشترین جمعیت حوزه از سیکل است، نه دیپلم و دانشگاهی. بیشترین آمار نخبگان و استعدادها برتر ما از سیکل است. ورودی‌های دیپلم و دانشجو سال‌های اول سرعت دارند، اما بعداً چون جذب زندگی می‌شوند بعضی دچار مشکلات تحصیلی می‌شوند، سن بالا می‌رود؛ درگیر مسائل جانبی و حاشیه‌ای زندگی می‌شوند. ولی سیکلی‌ها از این جهت کمتر دچار مشکل می‌شوند؛ البته راه برای ورود به حوزه برای همه با شرایطی باز است. بالاخره افرادی هستند که علاقه دارند، دوست دارند و انتخاب کردند، انتخاب واقعی هم کردند و انگیزه‌های خوبی دارند که به حوزه بیایند. مثلاً در بین دانشجویان انگیزه‌های خوبی پیدا می‌شود همین طور در بین دیپلمه‌ها؛ لذا راه باز است برای آنها ولی انتخابها محدود است و کمتر هم هست. الآن بیشتر مدارس ما مدارس سطح سیکلی است و منظور از سیکل فعلاً پایه هشتم است.

مجله پاسخ: در گذشته رابطه استاد و شاگرد خیلی متفاوت از الآن بود؛ شاید یکی از علت‌هایش تعداد زیاد دانش‌آموختگان حوزوی باشد. در گذشته اساتید هم نظارت به زندگی طلبه داشتند و هم مرادشان بودند و از نظر اخلاقی و زیستی در همه چیز استادشان الگو و راهنما بودند و هم مشاورشان بودند. الآن عمدتاً کمتر این اتفاق می‌افتد؛





مثلاً پنج‌شنبه‌ها یک استاد اخلاق می‌آید و هیچ ارتباطی بین استاد اخلاق و شاگرد نیست. آیا برای این مسئله برنامه‌ای دارید؟

♦ بله. هم ما و هم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا ملکی معاون محترم تهذیب و هم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا میرمعزی معاون محترم پژوهش دنبال این هستیم که همه این شئون مختلف تدریس، تحقیق و تهذیب، توسط استاد تأمین شود و از طریق استاد به طلبه منتقل شود. جدا کردن این شئون سه ضلعی مصلحت نیست. آیت‌الله سبحانی فرمود: حضرت امام علیه السلام معلم اخلاق بود، معلم علم اصول بود، معلم فلسفه بود یعنی همه چیز بود.

مجله پاسخ: با این اوصاف، در این قسمت حوزه شبیه دانشگاه شده است؟

♦ بله. در گذشته مثلاً علامه طباطبائی، استاد شهید بهشتی و شهید مطهری بود؛ هم استادشان بود، هم پدرشان بود، هم مربی‌شان بود و هم معلم اخلاق‌شان بود. در حقیقت همه چیزشان بود و حلقه شاگردی و استادی برقرار بود. علامه طباطبائی فلسفه و تفسیر می‌گفت؛ یعنی استادشان استاد ذوابعاد بود یعنی همه چیز با هم و درست و مناسب به شاگردان منتقل می‌شد. همه کسانی که در حلقه درس علامه طباطبائی بودند محققان خاصی شدند با نگاه جهانی و...؛ مسیر حوزه باید این چنین باشد. الآن اگر از من سوال کنند این مسیر در حوزه هست؟ می‌گویم کم‌رنگ شده دلایلی هم دارد. حالا نمی‌خواهم وارد جزئیاتش شوم اما این اتفاق افتاد.

آن اساتیدی در حوزه موفق‌اند که این سه را (تدریس، تحقیق و تهذیب) با هم به شاگردشان بیاموزند. ما سعی داریم یک جوری به سابق برگردد. واقعاً نقش استاد باید نقش اصلی باشد و به همان وضعیت سابق برگردد. ما نباید فاصله بگیریم. استاد نباید صرفاً معلم کلاس باشد؛ بلکه باید معلم اخلاق هم باشد. مربی اخلاق هم باشد. طلبه باید همه چیز را از استادش بیاموزد. اگر الآن نقش استاد کم‌رنگ شده دلایلی دارد: اشتغال، جمعیت، موضوع زمان و خیلی چیزهای دیگر دخیل‌اند. همه اینها سبب شده

که این اشکالات ایجاد شود. اینها سبب شده که این وضعیت کمرنگ شود. ما اگر بخواهیم به اصالت خودمان برگردیم، باید نقش استاد را نقش چند محوره قرار بدهیم. البته این به این معنا نیست که درس مهم و آزاد اخلاقی نداشته باشیم بلکه درس‌های اخلاق و موعظه‌های پدران از مراجع گرفته تا بزرگان و زعمای حوزه باید باشد. اینها هم سر جای خودش لازم است.

مجله پاسخ: آیا در نظام جدید حوزه برنامه‌ای برای این مسئله دیده شده است؟

♦ بله. برنامه جدیدی الآن در حوزه دائر است که آن را به عنوان برنامه جدید می‌شناسیم. الآن قریب به ۲۵۰ مدرسه آن را اجرا می‌کنند. این مدارس همگی در عرض دو سه سال به این مقدار رشد کرده‌اند. آن سالی که ما آمدم دوازده مدرسه بوده البته بسته آموزشی سطح آن هنوز کامل نشده یعنی کتاب‌هایش باید تدوین شود. در این برنامه کتاب‌های اخلاق نوشته شد. اخلاق به معنای علمش نه به معنای اخلاق عملی. ما کتاب درسی اخلاق نداشتیم. یعنی به صورت چینش علمی متناسب با فضای فکری و روحی و همین طور اخلاقی طلبه با یک توازنی که با بقیه کتاب‌ها و درس‌ها برقرار می‌کند تا حال نبود. در کتاب‌هایی که در برنامه جدید حوزه تولید شده از آیات قرآن کریم و روایات فراوان استفاده شد؛ در هر کتابی چندین آیه و روایت آمده که به مسائل اخلاقی، روحی و معنوی می‌پردازد. در واقع طلبه ضمن این که درسی را فرا می‌گیرد، علمی را تلقی می‌کند و با آیات قرآن تربیت می‌شود و آن هویتی که لازم است یک طلبه با انس این آیات به آن برسد، شکل می‌گیرد. در ۲۹ متن تولید شده در برنامه جدید، بیش از چهار هزار روایت وارد شده است همچنین از آیات فراوانی استفاده شده است.

نکته دیگر این است که در همین کتاب‌ها نگاه تهذیبی و اخلاقی تا حدود قابل توجهی مطمح نظر بوده که این که پژوهش هم در آن دیده شده.

مجله پاسخ: سوال بعدی ما هم همین است. در دانشگاه دانشجو از مقطع ارشد به بعد

در ذیل کلاس باید اثر پژوهشی هم ارائه بدهد ولی در سیستم حوزه چنین چیزی نیست.





♦ نه اینکه اصلاً نیست؛ بلکه کمتر است. الآن در متن کتاب های تدوین شده، هدف گذاری شده حتی در مثل کتاب سیوطی تمرین ها، آیات و روایات دیگر آمده و بعضی از چیزهایی که مناسب نبود حذف کردند. در هر درس، هم سوال طرح شده هم تحقیق و پژوهش دارد و هم مطالب کاربردی آمده است. این ها در متن و در برنامه دیده شد حال این استاد است که باید طلبه را به کار بگیرد. با تحقیق، پرسش، پاسخ، کار داخل کلاس و کار در خارج از کلاس، خیلی زحمت هم نمی خواهد چون همه چیز نقد در اختیار استاد قرار داده شد تا با طلبه اش کار کند. این یک بخش از کار است. همین جا این نکته را اضافه کنم که طبعاً اگر کسانی که خط مباشر این قصه هستند، یعنی اساتید، بخواهند تن به این کار ندهند تمام این زحمات هدر می رود، صدها ساعت از گروه های متعدد علمی زمان صرف شده تا این کتاب ها تولید شده، برای فصل فصلش بحث شده است. هر کتابی که نوشته شده و می شود بر می گردد و گروه علمی نظر می دهد. برای سرفصل نویسی و هدف نویسی اش چقدر بحث کردند، چند سال است در این قصه درگیر شدند. واقعاً هزینه شده است. این الآن بیفتد دست یک استاد برود سر کلاس بگوید: این چیه که نوشته اند؟! خب دیگر انگیزه برای طلبه باقی نمی ماند.

یکی از قدم های بزرگ تحول همین جاست. اصلاح متن یکی از قدم های بزرگ تحول است. ما این همه می گویم رهبری معظم انقلاب این طوری فرمودند، بزرگان این طوری فرمودند تقاضاها این طوری است. خب حالا این همه متن آمده آن هم نه متنی که چند روزه با عجله بیاید، بلکه چند سال رویش فکر و کار شده است و آن اساتید ترازشان آمدند، شرکت کردند و کمک کردند. حالا من می گویم نه اینکه این اتفاق می افتد یا افتاده بلکه اگر یک استادی بیاید چون خوشش نیامده چون با سلیقه اش همخوانی ندارد بیاید یک کلمه در کلاس بگوید، دیگر تمام می شود. ممکن است یک کتاب یک اشکالی هم داشته باشد اما به معنای آن نیست که کتابی که قبلاً می خوانده اشکال نداشت. آن که پر از اشکال بود. در هر کتاب اشکال است. به هر حال می خواهیم بگویم زحمات های زیادی

کشیده شد و ما اگر نقش استادی را به استاد برگردانیم، هم اخلاق زنده می‌شود و هم پژوهش زنده می‌شود. این‌ها همه باید توسط استاد زنده بشود.

مجله پاسخ: آیا برنامه خاصی هم برای تربیت استاد دارید؟

♦ دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید کم و بیش هست. جلسات توجیهی برای استادان برنامه جدید هم وجود دارد تا جایی که امکانات اجازه دهد این کار ادامه می‌یابد.

مجله پاسخ: به نظر می‌رسد در سیستم جدید حوزه، استادش هم باید به‌روز باشد.

♦ بله. البته استاد، خیلی نیاز به دانش‌افزایی جدیدی ندارد؛ چون استاد همان استاد صرف است مثلاً و مجوزش را هم دارد. الآن کتاب عوض شده است. فقط دانش‌افزایی نسبت به روش تدریس است و این اتفاق افتاده، یعنی الآن گروه گروه از اساتید دعوت می‌شوند برای آنان دوره برگزار می‌کنند، روش تدریس را می‌گذرانند؛ علاوه، برای این اساتید کانالی اختصاص داده شد تا اگر نسبت به متن و محتوای کتاب‌ها مطلبی دارند از طریق این کانال مشکلشان را حل کنند؛ مگر اینکه خودش این کار را دنبال نکند و اگر دنبال نکرده باشد از نگاه ما یک نوع بی‌اعتنایی است. این‌ها در یک تالار گفتگو وصل هستند و اگر دقت کرده باشید کتاب صرف چندبار تجدید چاپ شده به خاطر همین بود یعنی پیشنهادات جدید می‌رسید و کتاب تغییر می‌کرد. در برنامه جدید آموزشی تا الآن از ۸۵ عنوان درسی حدوداً نزدیک به پنجاه درصد کل کتاب‌ها تالیف شده یا بازنویسی شده است. ۳۷ درصد هم در حال تدوین است. نکته مهم این است که ما اصلاً الزامی نکردیم؛ یعنی هر کسی بخواهد می‌تواند نظام جاری و یا برنامه جدید را انتخاب کند.

مجله پاسخ: یک سوال دیگر کارویژه‌های طلاب است؛ من یک مصاحبه‌ای دیدم از حاج آقای نواب رئیس دبیرخانه شورای عالی که شما ۶۰ تا کارویژه برای طلاب تعریف کردید. همان‌طوری که فرمودید قبلاً طلبه نهایتاً امام جماعت یک مسجدی می‌بود، ولی الآن از پژوهش و تحقیق و امام جماعت تا مدیر مدرسه علمیه و استاد حوزه و دانشگاه و موارد دیگری همچون در عقیدتی سیاسی‌ها و جاهای مختلف هست اما آموزش‌های حوزه همان‌طوری که در ابتدای بحث فرمودید خیلی تناسبی با هیچ یک از اینها ندارد؛ یعنی





حتی همان مسجد هم مدیریتش الآن یک بحث کلان است؛ یعنی خود این مدیریت مسجد نیاز به یک دانش متناسبی دارد و اینها در حوزه حداقل تا موقعی که طلبه سطح دو می‌گیرد و تبلیغ می‌رود یا در جاهای مختلف مشغول می‌شود هیچ برنامه‌ای برایش دیده نشده است. مثلاً شما برای تبلیغ سنتی و منبر حتی یک واحد درسی، یا حتی یک روز درسی ندارید. ارتباط با مخاطب چطوری بگیرید یا مدیریت و هدایت کانون‌های فرهنگی یا عقیدتی سیاسی‌ها چگونه است. آیا الآن برای اینها برنامه‌ای دیده شده یا هنوز هم در برنامه اصلی طلاب مسکوت است؟

♦ احتمالاً مقصود حاج آقا نواب از ۶۰ مورد کارویژه‌ای که فرمودند، کار ویژه کلان باشد زیرا حدود ۲۷۰-۲۸۰ کارویژه تعریف شده که یک طرح بسیار مهمی بوده است. بحث درختواره دانش‌های مهارتی هم مطلبی است. کسانی که باید کلاس‌های پودمانی مهارتی یا کلاس‌های کوتاه مدت را بگذرانند، آنها هم سر جای خودش مهم است و غیر از این، بحث آموزش است که باید متنی، استادی، کلاس رسمی، ثبت، امتحان و نمره‌ای داشته باشیم. از مهمترین مباحثی که انجام شد تدوین درختواره دانش‌های حوزوی بود. البته در پایه‌های پایین‌تر درختواره‌ای به این معنا نداریم آن‌چه داریم از سطح دو به بعد است. در سطح یک به نظر ما همین دوره عمومی که الآن هست کافی است. برای برنامه جاری، کتاب‌های بدیل معرفی کردیم که طلاب می‌توانند کتاب اصیل را بخوانند و یا آن کتاب‌های بدیل را بخوانند. کتاب‌های بدیل غالباً همین کتاب‌هایی است که در برنامه جدید تولید شده است. در برنامه جدید خیلی از چیزهایی که تا حال نبود پوشش داده شد. در درختواره عناوین کلی دانش‌های حوزوی در دوازه عرصه از شورای گسترش مصوبه گرفته شد، مثلاً در باب قرآن که یکی از عناوین دانش‌های حوزه است حدود ۳۲ رشته و گرایش در سطح دو و سه و چهار به تصویب رسید.

مجله پاسخ: آیا کار نگارش درختواره رشته‌های تخصصی دانش‌های حوزوی امسال

تمام می‌شود؟

♦ امید است تمام شود.

مجله پاسخ: اجرایش چگونه؟

♦ اجرا هم قدم به قدم. فاز اجرایی اش طول می کشد؛ چون باید خیلی کار شود تا این ها در این ریل قرار گیرد.

مجله پاسخ: ظاهراً برخی از این رشته ها هنوز دانشش تولید نشده است؟

♦ بله. بعضی از این ها تولیدش اندک است نه اینکه اصلاً تولید نشده، حوزه باید وارد عمل شود. حوزه نمی تواند بگوید به من مربوط نیست. این ها پاسخ به نیازهای نظام و جامعه است. الان تعداد بسیار زیادی رشته جدید مصوب شده است و بعضاً در حال اجرا است. رشته فقه و اصول هم در درختواره دیده شده است.

مجله پاسخ: مگر رشته فقه و اصول الان نیست؟

♦ هست. ولی در درختواره با تمام رشته ها و گرایش ها می آید. ما الان فقه حکومتی لازم داریم، فقه خانواده لازم داریم این ها چیزهایی بوده که رشته ای نداشته است. این نقشه را باید بیست سال پیش تهیه می کردیم؛ بلکه قبل تر از آن باید شروع می کردیم تا امروز بتوانیم پاسخگو باشیم. ما تازه نقشه اش را تهیه کردیم که بسیار کار مهم و سختی بود، خیلی از اساتید برای تدوین آن زحمت کشیدند. از اساتید حوزه و دانشگاه. دانشگاه که می گویم یعنی حوزویانی که دانشگاه را دیده بودند. از انجمن ها استفاده کردیم تا این محصول به بار نشسته است. به بعضی از مراکز تخصصی گفتیم تا خودشان را در این مسیر قرار دهند. مثلاً تفسیر مطلق دیگر نداریم. باید در یکی از جاده های مصوب قرار گیرد و گرایش و مرز خود را مشخص کند. این اتفاق آرام آرام می افتد. در همین سال جاری رشته قرآن و مستشرقان و قرآن و علم راه اندازی شد. و الان طلبه در حال تحصیل دارند. برخی از رشته ها در مراکز پیرا حوزوی اجرا خواهد شد، یعنی در متن حوزه لازم نیست حتماً فلان رشته دائر شود بلکه حوزه مجوز می دهد و مراکز پیرا حوزوی آن را اجرا می کنند. آنچه مهم است تقسیم کار است و این تقسیم کار باید اتفاق بیفتد تا حوزه بگوید برای هر یک از این رشته ها نیرو تأمین کرده و نیرو در اختیار دارد. حتی برای ادبیات، باید





ادیب داشته باشیم، نمی‌توانیم بگوییم ادیب نمی‌خواهیم.

همین اخلاق را بخواهیم بگوییم خودش کلی بحث دارد. رشته تربیت و مشاوره که تقریباً نوعی قرابت با هم دارند برای خودش در سطح دو و سه و چهار دارای گرایش‌هایی است و این‌ها همه مصوب شده؛ لذا می‌گوییم حوزه برای پاسخگویی نباید منتظر بماند، باید بجنبد. حوزه باید نیروهای خودش را در این ریل‌گذاری‌ها قرار دهد و براساس این، استعدادها شناسایی شود و درست سر جایش قرار گیرد تا بتواند محصول داشته باشد.

البته آن مسیر فقه و اصول مسیر خودش را می‌رود. راهش بسته نیست. اتفاقاً ما قائل نیستیم فقه و اصول در حوزه لاغر شود. بعضی‌ها می‌گویند اینجا و آنجا را حذف کنید. حذف برای همه نیست. ما قائل به فقه و اصول متناسب با رشته هستیم. یعنی یک کسی که می‌خواهد مثلاً مفسر شود فقه و اصول متناسب با تفسیر بیشتر بخواند. آیات الاحکام بیشتر بخواند. بسیاری از چیزهایی که در اصول خوانده می‌شود شاید در تفسیر قرآن به دردش نخورد، اما اصول لفظیه به دردش می‌خورد. عام و خاص و مطلق و مقید و این‌ها همه‌اش در تفسیر قرآن هم کارایی دارد برای فهم قرآن هم نیاز به این‌ها است. اصول متناسب با هر رشته باید خوانده شود و اصول غیرمتناسب را باید حذف کرد. کتاب الفائق فی الاصول امسال اضافه شده است. الآن هم پنج استاد آن را تدریس می‌کنند.

مجله پاسخ: این کتاب برای چه سطحی است؟

♦ این تقریباً برای سطح سه است؛ این کتاب مقدمه برای فهم مسائل مستحدثه است. ما در اصول خودمان، اصولی برای فهم مسائل مستحدثه نداریم. آیت الله شب‌زنده‌دار و دوستانشان این کتاب را تدوین کردند و خودشان هم دارند درس می‌دهند. این را رسمی اعلام کردیم که این کتاب رسمی حوزه است و کنار بخشی از کفایه باشد برای اینکه مقدمه‌ای برای درس خارج باشد. الآن در بسیاری از موارد واقعاً جواب نداریم، جواب نقد نداریم، مواد خام آن به گونه‌ای است که بتوانیم از آن، جواب را به دست آوریم. خب این اصول می‌خواهد برای خودش. این قاعده می‌خواهد.

مجله پاسخ: در عرصه هنر و فضای مجازی هم کاری شده؟

♦ الآن در این درختواره در قسمت هنر هم خیلی چیزها دیده شده. در قسمت تبلیغ هم همین طوری است. بحث‌های رسانه‌های مجازی هم آمده. الآن در سطح سه رشته‌های تبلیغ و رسانه نوشتاری، مجازی و شنیداری، ادبیات نمایشی آمده. بعضی‌ها فکر می‌کنند حوزه نباید وارد بشود. الآن دیگر باید وارد بشود. اینها مصوب شده. در بخش هنر هم خیلی گرایش‌ها آمده است.

الحمدلله ما تا اینجا پیش رفتیم تا ببینیم خدا چه می‌خواهد.

